

آثار همزیستی مسالمت‌آمیز بر روابط خارجی دولت اسلامی

بهنام سرخیل*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۹/۱۸

چکیده

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز از مهم‌ترین موضوعات حوزه‌ی تعاملات دولت‌ها و جوامع است و بر چگونگی صورت‌بندی منظومه‌های روابط انسانی اثر می‌گذارد. اکنون این سوال مطرح است که آیا بر اساس دیدگاه اسلامی در پیوند با غیرمسلمانان و جوامع بیگانه - که از زیرساخت‌های فکری، اصول و الگوهای متفاوت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردارند - می‌توان قاعده‌ی بین‌المللی همزیستی مسالمت‌آمیز را پذیرفت و تسری داد؟ این مقاله می‌کوشد تا در قالب یک تحقیق توصیفی-تحلیلی و استفاده از روش کیفی، ضمن بهره‌گیری از مبانی، بایسته‌ها و آموزه‌های دینی این فرضیه را اثبات کند که همزیستی مسالمت‌آمیز در رویکرد اسلامی دارای اصالت بوده و پیگیری آن در حوزه‌ی روابط خارجی با غیرمسلمانان به‌دلایلی هم‌چون: وجهه‌سازی، تعاون و همکاری‌های بین‌المللی و بسترسازی جهت ایجاد اتحادها و پیمان‌ها موجب پیشبرد اهداف و دست‌یابی به منافع اسلامی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی:

همزیستی مسالمت‌آمیز، اندیشه‌ی اسلامی، اجماع‌سازی بین‌المللی، روابط انسانی، وجهه‌سازی.

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره پانزدهم
- زمستان ۹۵

آثار همزیستی
مسالمت‌آمیز بر
روابط خارجی
دولت اسلامی
(۱۳۹ تا ۱۶۰)

* عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (cdint@emdad.ir).

۱. مقدمه

وقوع رخدادهای جدید در عرصه‌ی جهانی، هم‌چون بروز و یا تقویت جریان‌های افراطی به‌ظاهر اسلامی نظیر القاعده، داعش و جبهه‌النصره و انجام اقدامات تروریستی در نقاط مختلف دنیا، موجب شکل‌گیری حجم وسیعی از تصویرسازی‌های^۱ منفی علیه مسلمانان و جلوه‌دادن آئین اسلام به‌مثابه دین خشونت‌طلب، متعصب و بی‌منطق در عرصه‌ی بین‌المللی شده است؛ بدین ترتیب چهره‌ی اسلام به‌گونه‌ای معرفی می‌شود که گویا تمایلی به برقراری تعامل و ارتباط با ملل دیگر، حتی در میان خود مسلمانان با یک‌دیگر، وجود ندارد. این در حالی است که بررسی آیات، روایات و سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (ع) بیان‌گر نگرش جهان‌شمول اسلام به همه‌ی انسان‌هاست؛ به‌نحوی که بر اهمیت برقراری مناسبات مبتنی بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و رفتار انسانی تأکید می‌کند و بر مبانی اخلاقی در برقراری ارتباطات و دیپلماسی با دولت‌ها و ملل غیراسلامی تکیه دارد. در این تصویر، احکام و آموزه‌های مشخص و هدف‌مندی را می‌توان در قالب یک نظام ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی (هم با اقلیت‌های دینی داخل حکومت اسلامی و هم با سایر ملل) احصاء کرد. برای نمونه آیات ۸ و ۹ سوره‌ی ممتحنه به شرح و توضیح راهبردی مسأله‌ی چگونگی رابطه با غیرمسلمانان پرداخته و حتی مسلمانان را به نیکی کردن با آنان دعوت نموده است:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را از کسانی (کفار) که با شما دربارهِ دین نجهنگیده و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکرده‌اند، منع نمی‌کند که به آن‌ها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمایید، زیرا خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد» (ممتحنه: ۸).

این رویکرد حاکی از آن است که در طراحی مدل ارتباطی مسلمانان با غیرمسلمانان اولاً شارع مقدس دستور به نیکی با سایرین نموده و قصد نهی مسلمانان از احسان و معامله به عدل با غیرمسلمان‌هایی که در دین قتال نکرده و یا به آزار و اذیت مسلمین نپرداخته‌اند، را ندارد. در واقع، سیاست خارجی اسلام بر اساس جذب و جلب دیگران است. طبق برخی تفاسیر، عبارت: «أَنْ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» به‌معنای این است که بخشی از اموال خود را به آنان بدهید و به ایشان احسان کنید. مفسرین چنین استنباط کرده‌اند که این فعل از "قسط" به‌معنی بخش و بهره است؛ نه "قسط" به‌معنی عدالت و دادگری؛ چرا که عدالت و دادگری

1. Image making.

نسبت به دوست و دشمن واجب است و لذا عطف "تُقْسِطُوا" بر "تَبَرُّوهُمْ" از قبیل عطف خاص بر عام است (قرآنی، ۱۳۸۸: ۵۸۵). ثانیاً این گونه برخورد انسانی با غیرمسلمین به معنای کنار گذاشتن سایر اصول اسلامی - هم چون اصل ضرورت جلوگیری از غلبه‌ی غیرمسلمین بر مسلمین (قاعده‌ی نفی سبیل) و یا مدهنه با آنان - نمی‌باشد. توضیح بیش تر این که اصطلاح «مدهنه» به معنای گذاشتن از اصول برای منافع شخصی و دنیایی است که امر ناپسندی است، اما «مدارا» به معنای گذاشتن از منافع شخصی برای حفظ بهتر اصول و دین گفته می‌شود که امر بسیار پسندیده‌ای محسوب می‌شود و بنا به تعبیری از پیامبر عظیم‌الشان اسلام، نشان‌دهنده‌ی وجود ایمان است (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

قرآن کریم خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: «وَتَوَّالُوا لَوِ تَدْعُونَ فِیْ دَهْنُونَ؛ ای پیامبر! آن‌ها دوست دارند با آن‌ها نرمش و سازش کنی تا با تو سازش کنند»؛ اما پاسخ پیامبر(ص) به درخواست نرمش و مدهنه، آیه‌ی: «لَکُمْ دِیْنُکُمْ وَ لِی دِیْنُ» (کافرون: ۶) است.

به هر ترتیب، با بررسی آیات و آموزه‌های دینی در خصوص منظومه‌ی ارتباطی دین محور می‌توان چنین استنباط کرد که اسلام در جایگاه یک دین جهان‌شمول، خواستار شکل‌گیری و ارتباطات انسانی است و این ارتباطات بدون پی‌ریزی شرایط و زمینه‌های تعاملات و همکاری‌های مسالمت‌آمیز میسر نخواهد شد. علی‌الخصوص آن که بخش عمده‌ای از جمعیت جهان را غیرمسلمانان تشکیل داده‌اند و اقتضای عقلی نیز حکم به برقراری ارتباط با آنان در راستای تحقق اهداف متعالی اسلام برای همه‌ی انسان‌ها می‌نماید.

در همین چشم‌انداز، یکی از مهم‌ترین راهبردهای ارتباطی در قالب تحقق دیپلماسی اسلامی، تکیه بر برقراری ارتباطات حول اصالت فطری دین و ایجاد پذیرش عمومی اسلام در سایه‌ی شناخت و معرفی حقیقت دین است؛ به طوری که وجود ارتباطات مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان به خودی‌خود زمینه‌ی تحقق اهداف کلان اسلامی - یعنی دعوت به دین مبین اسلام - را فراهم می‌آورد. امام رضا(ع) در خصوص چگونگی گسترش معارف اسلامی در میان همه‌ی انسان‌ها، به تطابق دین با فطرت آدمی و پذیرش همه‌ی انسان‌ها در سایه‌ی شناخت و تعامل، می‌فرماید: «مردم اگر زیبایی‌های سخن ما را بدانند، بی‌گمان از ما پیروی می‌کنند» (شیخ صدوق، بی‌تا: ۱۸۰).

به بیان دیگر، برقراری فضای مسالمت‌آمیز امکان شکل‌دادن بستر اجتماعی مناسبی که طی آن شرایط، معرفی معارف اصیل دینی فراهم گردد، را پدید می‌آورد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«برای گسترش معارف اهل بیت (ع) هیچ لازم نیست شما به این در و آن در بنزید؛ ... همین اندازه کافی است که معارف اهل بیت (ع) را درست فرا بگیریم و آن را به دیگران منتقل کنیم. این معارف توحیدی، این معارف انسان‌شناسی، این معارف فراگیر نسبت به مسائل زندگی بشر، خود جذاب است، دلها را جذب می‌کند، آنها را دنبال راه ائمه به راه می‌اندازد» (بیانات، ۱۳۸۹/۰۸/۰۳).

با این مفروضات تلاش شده است تا بر اساس یک چارچوب نظری مبتنی بر ویژگی‌ها و شاخصه‌های روابط انسانی-اسلامی، اصول و مبانی اسلامی سازگار با رویکرد هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به‌نحو اجمالی تبیین شود؛ سپس آثار و پیامدهای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر تقویت منظومه‌ی روابط و مناسبات مسلمانان با غیرمسلمانان در قالب نظام بین‌الملل معاصر احصاء گردد.

۲. چارچوب نظری

ماهیت روابط از منظر اسلامی در سطح بین‌المللی به‌شدت تحت تأثیر نگرش به انسان (انسان‌شناسی دینی) و ارتباطات انسانی است. نگاه به انسان در دیدگاه اسلامی با برداشت نسبت به انسانی که اندیشمندان رئالیست، هم‌چون: ماکیاول، هابز و لاک در چارچوب اندیشه‌هایی مانند: تنازع بقا و داروین‌یسم اجتماعی به تصویر می‌کشند، تفاوت اساسی دارد؛ چراکه ارتباطات انسانی و روابط اجتماعی در این رویکرد بر پایه‌ی مقولاتی مانند: "ترس و حسادت" بنیان نهاده شده است؛ و نگرانی از حذف و نابودی در مناسبات، موجب بروز نوعی رابطه‌ی "انسان گرگ انسان" شده و حسادت به موقعیت و جایگاه برتر دیگران، همواره فرد را به‌سوی نوعی تنازع و جدایی دائمی سوق می‌دهد (قوام، ۱۳۹۴: ۸۵-۷۹).

همین نگرش منفی به انسان در مکتب رئالیسم، موجب تولید آموزه‌های انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسی متکی بر روابط غیراخلاقی، غیرقابل اعتماد و به‌تعبیری، جنگ دائمی بوده است و در نتیجه، نگرش به روابط حداقلی را در تجزیه و تحلیل مسائل بین‌المللی در پی دارد. به‌طور کلی، در نگاه پیروان این دسته از مکاتب، ماهیت روابط انسانی به‌شکل عام و روابط خارجی به‌طور خاص، با جدال، تنازع و جنگ دایمی بر سر قدرت و منفعت همراه است و صلح و ثبات در میان جوامع بشری، تنها اندیشه‌ای است که هیچ‌گاه در فضای طبیعی ارتباطات انسان‌ها به‌وجود نخواهد آمد؛ حتی مکانیزم‌های صلح که در چارچوب تئوری‌هایی مانند نظریه‌ی موازنه‌ی قوا و بازدارندگی مطرح می‌شود، عمدتاً خصلتی اجبارگونه و غیرارادی دارند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۳۵-۲۵).

از سوی دیگر، ماهیت روابط از منظر اسلامی، با جریان ایده‌آلیسم که با نگاهی کاملاً خوش‌بینانه به انسان (و فارغ از وجود تفاوت‌ها و تعارض‌ها) به تحلیل روابط اجتماعی می‌پردازد و به تعبیری، در پی صلح دائمی است، متفاوت است. علی‌الخصوص آن که مکتب ایده‌آلیسم در روابط انسانی عمدتاً حول شکل‌گیری صلح در چارچوب تشکیل نهادهای جمعی و سازمان‌های بین‌المللی تمرکز دارد (Schmidt, 2002: 184). روابط انسانی، و به تبع آن سیاست خارجی در نظریه‌ی اسلامی، بر مفهوم "انسان فطری" مبتنی است و بر پایه‌ی نگرشی واقع‌بینانه نسبت به انسان صورت‌بندی شده است. طبق انسان‌شناسی اسلامی، نفس انسان آمیزه‌ای از فطرت و غریزه است که در ستیز با یک‌دیگرند. از یک‌سو انسان بر اساس فطرت الهی، گرایش‌ات انسانی و معنوی دارد که وی را فارغ از هرگونه جنسیت و ملیتی به سوی حقیقت‌جویی، عدالت‌طلبی و نوع‌دوستی سوق می‌دهد؛ و از سوی دیگر، غرایز، منشأ گرایش‌ات و تمایلات حیوانی مانند: ظلم، خودخواهی و منفعت‌طلبی شخصی می‌باشند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۴).

۳. افق‌شناسی روابط انسانی در نگرش اسلامی

بررسی اجمالی آموزه‌های اسلامی در حوزه‌ی ارتباطات انسانی بیان‌گر آن است که اسلام بر اساس دیدگاه واقع‌بینانه و اتخاذ موضعی متفاوت در مورد سرشت و ماهیت انسان، روابط بین‌المللی را نیز با یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در روابط اجتماعی - یعنی جنگ و صلح - همراه می‌داند و لذا با بیان برخی صفات مذموم، امکان جنگ برای اهدافی هم‌چون: برتری‌جویی و یا صیانت ذات، ارضای کسب قدرت و انحصار‌گرایی، رفع تبعیض و تحقق عدالت اجتماعی را مطرح می‌نماید. در همین زمینه، برای تبیین تفاوت در نگرش اسلامی با سایر نحله‌های فکری، به‌ویژه مکتب واقع‌گرایی، باید افزود که اسلام از ابتدا معتقد به سرشت بد و خوی جنگ‌طلبی و گرگ‌صفتی برای انسان نیست؛ بلکه از منظر اسلامی جنگ معلول عدم تعادل رابطه‌ی فطرت و غرایز انسانی است که در آن، غرایز بر فطرت چیره می‌گردد (سید قطب، ۱۳۶۸: ۵۲).

روی دیگر سکه این که در دیدگاه اسلامی، ایجاد رابطه‌ی منطقی میان غرایز و فطرت به شکل‌گیری ارتباطات فارغ از جنگ و خشونت می‌انجامد. انسان‌ها فطرتاً از جنگ نفرت دارند و به صلح و ثبات علاقه‌مندند؛ اما غریزه‌ی برتری‌طلبی و قدرت‌جویی، گاه این خواست عمیق فطری را زیر پا نهاده و روابط اجتماعی را به تعارض و جدال می‌کشاند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۶). مجموعه‌ی گسترده‌ی آیات، روایات و آموزه‌های دینی درخصوص کنترل نفس سرکش، و در مقابل، دعوت به میانه‌روی، تعادل و قناعت‌طبع در همین رابطه قابل استدلال است.

به هر تقدیر، چنین تعبیری از انسان و روابط انسانی در دیدگاه اسلامی می‌تواند نقطه‌ی عزیمت برای شکل‌گیری ارتباطات انسانی در عرصه‌ی بین‌المللی معاصر محسوب شود؛ به گونه‌ای که مناسبات انسان‌ها باید از حالت آنارشی به نفع تحقق نوعی جامعه‌ی بین‌المللی همه‌گیر، خارج شده، و در نتیجه به سوی هویت مشترک انسانی سوق یابد. هویتی که مؤید این معنا باشد که سرنوشت آینده‌ی جامعه‌ی جهانی به نوع رفتار همگی بازیگران آن مرتبط است و آینده‌ی انسان‌ها به هم مرتبط می‌باشد. طبیعتاً بازتاب این گونه نگرش جهانی به انسان و مناسبات انسانی، ملی‌گرایی صرف یا بی‌تفاوتی نسبت به سایرین را تعدیل نموده و در مقابل، نوعی حساسیت بین‌المللی را پدید می‌آورد که مطابق آن، بازیگران را نسبت به یک‌دیگر متعهد می‌سازد. البته غایت این دیدگاه و مقایسه‌ی آن با سایر وجوه اندیشه‌های اسلامی در حوزه‌ی سرنوشت بشری بیان‌گر حرکت در افق اهداف و آرمان‌های اسلامی در جهت نیل به سعادت بشری است؛ از همین رو می‌توان به رهیافت‌های معطوف به سعادت بشری، که انسان را نسبت به آینده‌ی نظام بین‌الملل حساس می‌سازد، اشاره نمود که طی آن باید برای هدایت دیگران و اصلاح امور اهتمام ورزید (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۲۴). بر همین مبنا می‌توان استدلال نمود که اسلام با توجه به رسالت جهانی‌اش در مورد دعوت همگان به سعادت و کمال، همواره برقراری رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با همه‌ی ابناء بشر را دنبال نموده و در روابط خارجی‌اش با جوامع بیگانه، اصل را بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۱: ۹۷).

۳.۱. ارتباطات انسانی بر پایه‌ی هنجارگرایی در نظام بین‌الملل

رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل (همانند سایر سطوح ارتباطی) از آن‌جا که به مقولاتی هم‌چون: نظم، نظام و روابط بین‌الملل مطلوب و اخلاق و ارزش‌های انسانی قائل است، ماهیت هنجاری دارد؛ به گونه‌ای که در چارچوب رویکرد اسلامی امکان شکل‌گیری یک جامعه‌ی اخلاقی جهانی براساس باورها، ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت موازین و ارزش‌های انسانی وجود دارد. نکته‌ی حائز اهمیت آن‌که، ارزش‌های سازنده‌ی نظم و نظام بین‌الملل اسلامی جنبه‌ی اعتباری و قراردادی نداشته، بلکه از آن‌جا که از فطرت انسانی نشأت می‌گیرد، واقعی و قابل کشف و تبیین می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). به‌علاوه در چارچوب رویکرد هنجارگرایی اسلام به امور مختلف - از جمله مناسبات انسانی - می‌توان نتیجه گرفت که اسلام در ترسیم روابط خارجی، دستیابی به صلح و آرامش را هدف و غایت اصلی، و جنگ را استثنایی محدود به حالات ضروری و خاص می‌داند؛ به نحوی که اسلام برای صلح و آرامش در حوزه‌های مختلف فردی و

اجتماعی توجه ویژه کرده و می‌کوشد تا برای استقرار آن، راهکارهایی عینی و منطبق با نیازهای انسانی عرضه کند.

۳.۲. جهان‌وطنی در مقابل تحدیدگرایی

اسلام برخلاف نظریات و جریان‌های خردگرایی در روابط بین‌الملل، انواع مرزبندی‌های جغرافیایی، سیاسی، نژادی و مذهبی را نفی نموده و خود را منحصر به طیف و گروه خاصی ندانسته و آموزه‌های خود را بر پایه‌ی یک دین جهان‌شمول و فراگیر در دامنه‌ای فرازمانی و فرامکانی معرفی می‌کند که برای هدایت و سعادت تمام انسان‌ها و نجات بشریت آمده است (سرخیل، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۳). بر این اسلوب می‌توان یک چارچوب کلان‌نگر از روابط انسانی را مد نظر قرار داد که شامل عناصر زیر است:

۱- ساختن یک نظام جهانی جدید که از دولت‌ها فراتر می‌رود و همه‌ی سوژه‌های انسانی را دربر می‌گیرد؛

۲- افول منافع فردی و در مقابل حمایت از منافع انسانی؛

۳- گسترش ارزش‌های انسانی و بسط آن‌ها به مردمان همه‌ی جهان در قالب شکل‌گیری اجتماع بشری (سرخیل، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۹).

۴- مبانی و اصول سازنده‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام

اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، یکی از اجزاء بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر به‌شمار می‌رود که در سطوح بسیار گسترده‌ی حقوقی و سیاسی، میدان عمل دارد. در واقع، خود مشتمل بر یک سری اصولی است که بر همکاری و ارتباط بین ملت‌ها و مذاهب مختلف استوار بوده و از جنبه‌های گوناگون حقوقی و سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. براساس تعریف رایج، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز عبارت است از نحوه‌ی مناسبات بین ممالکی که دولت‌های آن‌ها دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون هستند؛ یعنی: رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیه‌ی ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله‌ی مسائل بین‌المللی از طریق مذاکره (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۲۴۶).

در مطابقت این اصل با دیدگاه اسلامی باید گفت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یکی از محورهای اصلی فکری- رفتاری اسلام در حوزه‌ی روابط با غیرمسلمانان است که اگرچه به‌طور دقیق و به‌معنای امروزی، چنین اصطلاحی در رفتار سیاسی اسلام نبوده، ولی بسیاری از مفاهیم و آموزه‌های اسلامی به‌انحاء گوناگون با این اصل سنخیت و تلازم دارد؛ به گونه‌ای که با کنار هم قرار دادن این مقولات می‌توان به اصل راهبردی و پیش‌برنده‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در دیدگاه اسلامی رهنمون گردید. بر این اساس، مهم‌ترین مبانی و زیرساخت‌های تعاملاتی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام عبارتند از:

۴.۱. ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی

هر نوع تلقی که از انسان باشد، متناسب با همان نیز مناسبات انسانی شکل می‌گیرد. اگر انسان موجودی با کرامت و منزلت و با حرمت ذاتی انگاشته شود، روابط و تعاملات اجتماعی، کرامت‌مدار و حرمت‌محور می‌شود. در نگرش اسلامی به انسان، از تعبیر اشرف مخلوقات استفاده شده است که ضمن آن، انسانیت بر محور کرامت و عزت انسانی به‌عنوان یک اصل شناخته شده و به‌مثابه یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده‌ی انسانی شمرده می‌شود. در قرآن کریم، اشارات فراوانی در خصوص ارزش و جایگاه انسان و ضرورت حفظ احترام و کرامت شده است. برای نمونه:

«ما انسان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های

راه‌وار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها

را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم، برتری بخشیدیم» (اسراء: ۷۰).

حضرت علی(ع) در عهدنامه‌ی معروف خویش به مالک اشتر - در جایگاه فرماندار

حکومت اسلامی - این اصل مهم در خصوص نگرش فراگیر به همه‌ی انسان‌ها را چنین

مطرح می‌نمایند:

«مهربان باش و مردم را با چشمی پرعاطفه و سینه‌ای لبریز از محبت بنگر...

انسان‌ها دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو هستند و دسته‌ی دیگر در آفرینش

با تو همانند» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

بدین ترتیب ایشان نگاه اسلامی به همه‌ی انسان‌ها را بر پایه‌ی توجه به کرامت انسانی

دانسته و بر وظیفه‌ی ذاتی حکومت نسبت به تکریم انسان‌ها سفارش می‌نمایند. نتیجه‌ی

عملی چنین رویکردی به جایگاه انسانی، موجب صورت‌بندی روابط بر اساس حفظ حرمت

و رفتار محبت‌آمیز می‌گردد و مناسبات اجتماعی، چه با مسلمانان و چه در رفتار با

غیرمسلمانان، در فضای تکریم و از سر رحمت اصلاح می‌شود؛ و نمی‌توان در فضای

استخفاف و برخورد خشن روابط اجتماعی را سامان داد. تا جایی که حتی این مسأله شاخص

و معیار اصلی در گفتمان دینی برای آموزش و رحمت الهی محسوب می‌شود.

۴.۲. برابری در آفرینش و نفی تبعیض

یکی از علل مبنایی مشکلات جامعه‌ی بشری و ریشه‌ی بسیاری از نزاعات بین‌الملل،

هم‌چون جنگ‌های جهانی، در مرزبندی میان انسان‌ها و صورت‌بندی انواع دسته‌بندی‌ها و

تحدیدات سیاسی، نژادی، مذهبی انسان‌ها است. کانت معتقد است جنگ ارتباط

انکارناپذیری با جداسازی بشریت در قالب واحدهای سیاسی جداگانه و خودخواه دارد.

روسو به طرز نیش‌داری اظهار می‌دارد: تک‌تک شهروندان با پیوستن به یک اجتماع خاص،

ضرورتاً خودشان را به دشمنان بقیه‌ی بشریت مبدل می‌سازند. مارکس نیز تضاد میان منافع عمومی و خصوصی را در دولت مدرن می‌بیند (لینکلتر، ۱۳۹۱: ۲۱۶).

از نظر قرآن کریم، انسان‌ها نسبت به یک‌دیگر فضیلتی جز تقوا و پرهیزگاری ندارند و مجموعه‌ی انسان‌ها، «خانواده بشری» و «امت واحده» را تشکیل می‌دهند. به کارگیری تعابیر و خطاب‌های متعدد در ادبیات دینی نسبت به جمیع ابناء بشر، هم‌چون «یا بنی آدم» و «یا ایها الانسان» به این مطلب اشاره دارد که همه‌ی انسان‌ها مورد توجه دین جهان‌شمول اسلام بوده‌اند و انسانیت یک معنای مشترک و واحد برای ابناء بشر است. مبانی اسلامی، همه‌ی انسان‌ها را فرزند یک پدر و مادر و طبیعتاً هرگونه تفکر نژادپرستانه، خودبرتربینی و تحقیر ملت‌ها و مذاهب دیگر را طرد می‌نماید:

«ای مردم! همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به هیأت اقوام و

قبایلی درآوردیم تا با یک‌دیگر انس و آشنایی یابید؛ بی‌گمان گرامی‌ترین شما

نزد خداوند پرهیزگارترین شماست؛ خداوند دانای آگاه است» (حجرات: ۱۳).

قرآن کریم هم‌چنین در موارد مختلف، مانند آیه ۸۱ سوره‌ی مائده و آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ سوره‌ی بقره، تعصبات برتری‌جویانه و نژادپرستانه‌ی اقوام یهود و مسیحی را رد می‌کند و می‌فرماید: از نظر خداوند هیچ ملت برگزیده‌ای وجود ندارد و همه با هم برابرند.

۴.۳. احترام به آزادی عقیده

در دستگاه فکری اسلام، ایمان به‌خدا و باورهای دینی جنبه‌ی تحمیلی نداشته و حتی اعتقاد به اصول دین به‌صورت تقلیدی جایز نمی‌باشد؛ لذا تأکید اسلام بر بیان و انتشار حقایق و دستورات الهی است تا مردم فرصت درک آن‌ها را داشته و با اراده و اختیار خویش بپذیرند. در این چارچوب پیامبر(ص) مأمور به ابلاغ دستوره‌ای الهی است؛ لذا قرآن می‌فرماید:

«و بگو: این حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس می‌خواهد ایمان

بیاورد و هر کس می‌خواهد کفر ورزد» (کهف: ۲۹).

به‌واقع، ارزش ذاتی مسلمان‌شدن در پذیرفتن اختیاری و تعقل در جهان هستی است و خداوند از انسان می‌خواهد که با نیروی اندیشه و تدبیر، منافع و مضار خویش را بشناسد و در جهت کمال و آزادی از هرگونه اسارت و پلیدی و گمراهی، قدم بردارد:

«و اگر خداوند می‌خواست، شرک نمی‌ورزیدند؛ ولی تو را نگهبان آنان

نگماشته‌ایم و تو کارساز آنان نیستی» (انعام: ۱۰۷).

قرآن کریم باور به سایر عقاید توسط انسان‌ها را مورد اشاره قرار داده و پذیرش اعتقادات دینی از روی اجبار را رد کرده است: «در دین اکراه روا نیست؛ چراکه راه رشد

و تعالی از راه ظلمت و گمراهی مشخص گردیده است» (بقره: ۲۵۶). همچنین در آیات ۹۹ سوره یونس، ۲۹ سوره ی کهف و ۱۰۷ سوره انعام به خوبی نشان داده شده که شیوهی دعوت اسلام، شیوه‌ای کاملاً عقلانی و به‌دور از هرگونه تحمیل و اجبار است.

سیره‌ی معصومین(ع) در مواجهه با پیروان سایر مذاهب و حتی پیروان عقاید الحادی، تأیید دیگری بر این مدعا است. روایات متعددی در خصوص برخورد و احتجاجات بزرگان دین، از جمله: سیره‌ی حضرت علی(ع) در روابط اجتماعی با غیرمسلمانان، مباحثات علمی امام باقر و امام صادق(ع) با رهبران سایر ادیان و فرق و نیز استدلال‌ات امام رضا(ع) با غیرمسلمانان، نمونه‌هایی از رویکرد اسلامی در پذیرش سایر عقاید است.

۴.۴. ضرورت پذیرش حقوق غیرمسلمانان

اسلام نه تنها آزادی عقاید غیرمسلمانان را پذیرفته است، بلکه برای آن‌ها حقوق خاصی نیز مشخص نموده و از آن‌ها در برابر تعدی و ظلم حمایت کرده است. این حقوق از دو حیث قابل بررسی است: نخست؛ اسلام حقوق و عدالت اجتماعی کامل را برای اقلیت‌های غیرمسلمانی که درون جامعه‌ی اسلامی قرار داشته‌اند، با وضع چارچوب‌های حقوقی مانند قرارداد ذمه تأمین نموده است؛ بر این اساس، اقلیت‌های مذهبی می‌توانند در کشور اسلامی آزادانه زندگی کنند و از حقوق اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی بهره‌مند گردند؛ البته مشروط به این که مزاحمتی برای اسلام و مسلمانان نداشته باشند و بر ضد آن‌ها کاری صورت ندهند. سیره‌ی ائمه‌ی معصومین(ع) نشان می‌دهد که ایجاد رابطه مبتنی بر محبت، مودت و دوستی با غیرمسلمانان و رعایت عدالت، انصاف و حقوق آن‌ها، یک اصل اجتماعی است که مسلمانان در روابط بین‌المللی خود باید به آن پایبند باشند. برای مثال پیامبر(ص) می‌فرماید: هر کس اهل ذمه را آزار رساند، دشمن او خواهم بود (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۸). از جانب دیگر، اسلام حقوق غیرمسلمانانی را که پیش از این در خارج از بلاد اسلامی بوده و سپس به اشکال گوناگون در ارتباط و مواجهه با مسلمین قرار گرفته‌اند را نیز در قالب‌های حقوقی مشخص و معینی مقنن نموده است. برای مثال؛ می‌توان به قرارداد "استیمان"^۱ یا قرارداد "مهاده"^۲ در نظام حقوقی اسلام اشاره نمود که اسلام برای طرف مقابل که پیش از این حتی در جنگ با مسلمین قرار داشته است نیز حقوق معینی وضع نموده که مسلمانان مجاز به تخطی از آن‌ها نیستند.

۱. به معنای درخواست پناهندگی از سوی کافران است و در اصطلاح فقهی به معنای تأمین جانی و مالی کافر از سوی حاکم اسلامی یا مسلمانان است.

۲. توافق بر ترک مخاصمه و جنگ تا مدتی معین است که بین کافران و مسلمانان واقع می‌شود.

قرآن کریم نه تنها سیاست کلی اسلام درباره مراعات حقوق ملل و سایر مذاهب بیگانه را بر پایه‌ی انصاف و عدل بیان کرده است، بلکه طبق آیات ۸ و ۹ سوره‌ی ممتحنه بر نیکی در برخورد با آنان سفارش می‌نماید؛ این رویکرد، مرتبه‌ای بالاتر از رعایت حقوق آنان محسوب می‌شود.

۴,۵. نفی خشونت

ماهیت اسلام که متکی بر فطرت آدمی قرار گرفته است، پایه و اساس روابط اجتماعی را بر صلح و سلم نهاده و خواستار مدارا میان انسان‌هاست (زارعی، ۱۳۹۴: ۴۹). مطابق آموزه‌ها و تفکر اصیل اسلامی، جان و آبرو و دارایی انسان حرمت خاصی دارد؛ لذا آزار و یا کشتن بدون دلیل سایرین جزء گناهان نابخشودنی و برابر با کشتن همه‌ی مردم دانسته شده است. در مقابل، کسی که نفسی را زنده کند، گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است. در تبیین نفی خشونت از سوی اسلام می‌توان به دلایل زیر اشاره نمود:

۴,۵,۱. پذیرش پیشنهاد صلح از جانب بیگانگان

اسلام با هدف ایجاد آرامش، بازسازی و اصلاح جامعه نسبت به عوارض جنگ، راه صلح با غیرمسلمین حربی را گشوده است و ترک ستیز و خصومت را در هر فرصت ممکن توصیه می‌کند: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها؛ و اگر به صلح گراییدند، تو نیز به آن بگرا». این موضوع به‌حدی اهمیت دارد که حتی اگر دشمن مسلمین در جنگ به‌علت احساس ناتوانی پیشنهاد صلح دهد، در چنین وضعیتی نیز اسلام پذیرش صلح از سوی مسلمانان را در راستای تأمین منافع مسلمین تأیید می‌کند. حضرت علی(ع) ضمن توصیه به قبول صلح، به‌وجود برخی منافی که عاید مسلمین می‌شود اشاره نموده و می‌فرماید:

«از صلحی که دشمن تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی
متاب که آشتی سربازان تو را آسایش رساند و از اندوه‌هایت برهاند و
شهرهایت ایمن ماند» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

به‌دیگر سخن، اسلام با توجه به اصالت صلح و رفع خشونت در جامعه، ادامه‌ی جنگ مسلمانان با کسانی که خواستار صلح شده‌اند را طرد کرده است:

«پس هرگاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند و با شما به
مخاصمه نپرداختند و پیشنهاد صلح نمودند، در این صورت خدا هم راهی برای
شما علیه آن‌ها نگشوده است» (نساء: ۹۰).

۴.۵.۲. پایبندی به تعهدات با غیرمسلمین و عدم پیمان شکنی

یکی از اصول تعاملی اسلام در روابط بین الملل با سایر دولت‌ها، مبتنی بر پایبندی به معاهدات و قراردادهایی است که با جوامع دیگر منعقد می‌شود و طی آن مسلمانان ملزم به رعایت آن و دوری از خدعه و نیرنگ بوده و تحت هیچ شرایطی حق به هم‌زدن آن را ندارند؛ مگر این که طرف مقابل آن را نقض کند. قرآن کریم در آیات فراوانی به این اصل پرداخته است. از جمله در آیه‌ی ۷ سوره توبه می‌فرماید:

«مگر با آنان که در نزدیکی مسجد الحرام پیمان بستید، تا آنان به پیمان خود

وفادارند، شما نیز وفادار باشید. همانا خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد.»

در اهمیت حفظ پیمان و نیز تأکید اسلام به اصل دعوت مردم به جای جنگ، همین بس که اگر در میدان جنگ، فردی از دشمن بخواهد از منطق اسلام آگاه شود، باید به او امان داد و پیمان بست تا سخن خدا و منطق قرآن را به‌خوبی بشنود؛ و هرگاه بخواهد به اردوگاه خود بازگردد، باید طبق آیه‌ی صریح قرآن او را با کمال احترام به آن‌جا بازگرداند: «هرگاه مشرکی امان بخواهد تا سخن خدا را بشنود، به او امان بده تا کلام الهی را گوش کند، آن‌گاه او را به جایگاه خود باز گردان» (توبه: ۶).

۴.۵.۳. پرهیز از خشونت و عدم آغاز جنگ

در بیان این مطلب می‌توان به دوره‌ی خلافت امام علی(ع) و جنگ‌های سه‌گانه‌ی ایشان - جنگ جمل، صفین و نهروان - اشاره نمود که علی‌رغم میل باطنی حضرت، بر ایشان تحمیل شدند. ایشان با راهکارهای گوناگون کوشیدند تا از شروع جنگ جلوگیری نمایند. برای مثال؛ در قضیه‌ی اعتراضات خوارج که تا شش ماه پس از ماجرای صفین ادامه داشت، امام(ع) دو نفر از یاران‌شان را برای گفت‌وگو نزد آن‌ها فرستاد. پس از آن نیز از خوارج خواست تا دوازده نفر را معین کرده و خود نیز همین تعداد را انتخاب کردند و با آن‌ها به گفت‌وگو نشستند (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۳۶۶). وقتی سرکشی خوارج ادامه یافت علی(ع) نامه‌ای به سران خوارج نوشت و مجدداً از آن‌ها دعوت کرد که به‌سوی مردم بازگردند؛ اما آن‌ها همچنان بر عقیده‌ی باطل خود پافشاری کردند و سپاهی علیه دولت اسلامی تجهیز نمودند و نبرد آغاز گردید؛ در حالی که علی(ع) تأکید کرد سپاه وی آغازگر نبرد نباشد تا این که سرانجام نهروانیان جنگ را شروع کردند (دینوری، ۱۳۶۷: ۲۱۰).

۴.۵.۴. تأکید بر دستورات و تعالیم صلح‌آمیز برای کنترل خشونت

بررسی آموزه‌ها و تعالیم اسلامی - که سازنده‌ی نظام فکری و زیربنای شاکله‌ی اندیشه‌ی اسلامی محسوب می‌شود - حکایت از آن دارد که اسلام نه تنها به دنبال کنترل

صفات و ویژگی‌هایی مانند: کینه‌ورزی و انتقام‌جویی در اجتماع است، بلکه با تأکید بر سجایای اخلاقی مانند: بردباری، کظم‌غیظ، ایثار و ازخودگذشتگی به دنبال برقراری صلح و امنیت در مناسبات میان انسان‌ها است. رفتار معصومین(ع) با غیرمسلمانان دلیل محکمی بر این نگرش است. برای مثال؛ اگرچه زمانی که پیامبر(ص) برای دعوت مردم در مکه با انواع آزار و اذیت‌ها مواجه گردید و مسلمانان به مدت سه سال در شعب ابی‌طالب مورد محاصره و تحریم شدید سیاسی و اقتصادی قرار گرفتند، با این حال در زمان فتح مکه ایشان فرمان عفو عمومی صادر نموده و فرمود: «لیوم، یوم‌الرحمه»، یعنی امروز روز رحمت و رأفت است، نه انتقام‌جویی. در نتیجه مسلمانان را به عفو و گذشت فراخواند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

۴،۶. تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تعاملی که از دیرباز در حوزه‌ی برقراری روابط انسانی مورد توجه بوده است، تکیه بر نقاط مشترک نظیر اشتراکات زبانی، قومی و نظایر آن است. تأکید بر اشتراکات یک مقدمه‌ی طبیعی در برقراری ارتباطات محسوب می‌شود؛ لذا شکل‌گیری تعامل مؤثر زمانی مقدور خواهد بود که اشتراکات بتواند پایه‌ی اولیه‌ی تعاملات بعدی قرار گیرد. قرآن مجید به اشکال گوناگون به مشترکات انسانی هم‌چون هم‌سانی در خلقت اشاره نموده و زمینه‌های برقراری ارتباط و پیوند میان انسان‌ها را مورد توجه قرار داده است. برای نمونه، به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که برای برقراری ارتباط بین‌المللی، اهل کتاب را دعوت به اشتراکات نماید:

«بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرد» (آل عمران: ۶۴).

نکته‌ی بسیار مهم آن‌که، تأکید بر اشتراکات در این آیه، هم جنبه‌ی ایجابی دارد و هم مقدمه‌ای برای شکل‌گیری و گسترش روابط انسانی فارغ از ایجاد روابط نابرابر است. یعنی برخلاف نگرش‌هایی که هدف آن‌ها از تأکید بر اشتراکات قومی، نژادی یا سرزمینی جنبه‌ی سلبی و صورت‌بندی تحدیدات و مرزبندی‌های جدید در برابر سایرین دارد، قرآن اساس محور روابط بین‌المللی را اشتراک در همبستگی جهانی می‌داند. نکته‌ی دیگری این‌که اگر حتی کسانی باورها و اهداف مقدس اسلامی را قبول نداشتند، به معنی جدایی از آن‌ها و عدم تعامل نیست، بلکه بر پایه‌ی مباحثی که با آن‌ها اشتراکاتی وجود دارد، باید همکاری نمود؛ چراکه این تعامل می‌تواند زمینه‌ای برای جلب و جذب آن‌ها گردد. براساس همین راهبرد، خداوند در آیاتی هم‌چون آیه‌ی ۴۶ و ۴۸ سوره‌ی مائده، ادیان الهی

دیگر را به رسمیت شناخته و پیامبران آنها را تکریم و تصدیق می‌کند و به پیروان هر دینی دستور می‌دهد تا به کتاب و آیین خویش عمل کنند.

۵. آثار هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر توسعه‌ی روابط دولت اسلامی

اکنون که سنخیت و تلازم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با مبانی و آموزه‌های اسلامی مشخص گردید، این سوال مطرح می‌شود که رعایت این موضوع چه تأثیراتی بر روابط دولت اسلامی و گسترش مناسبات مسلمانان با غیرمسلمانان دارد؟ برخی از مهم‌ترین نتایج هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از منظر آیات و روایات دینی عبارتند از:

۵.۱. اخوت انسانی و تقویت تفاهات در سطح بین‌المللی

پذیرش این باور که همه‌ی انسان‌ها بخشی از بشریت هستند، نقطه‌ی عزیمت مهمی در شکل‌گیری تفاهات انسانی است. به‌ویژه آن‌که اصل تفاهم، لزوماً اختصاص به مسائل فکری و ایدئولوژیکی نداشته و هر نوع همکاری و مراد در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند بستر ساز تفاهات بعدی شود. این درحالی است که ریشه‌ی بسیاری از جنگ‌ها و بحران‌های جهانی در طول تاریخ، معطوف به انواع تحدیدات نژادی، قومی و انگاره‌های ساختگی در مورد جوامع انسانی بوده است. اما اسلام جامعه‌ی بشری را به‌صورت مجموعه‌ای واحد می‌نگرد که به استناد آیه‌ی: «و لقد کرمنا بنی آدم» کرامت الهی و تکریم شامل جمیع افراد بشر شده است. از همین دریچه، اعتقاد به کرامت و اعتناء به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز امکان برقراری و شکل‌گیری همکاری‌ها و کمک به تحقق تفاهات در سایه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌آورد. به‌علاوه، در مقیاس جهانی هر میزان که توجه به اصول مشترک انسانی بیش‌تر باشد، شرایط حصول تفاهم بین‌المللی بیش‌تر شده و در نتیجه رسیدن به اهداف مشترک بین‌المللی مانند صلح و امنیت جهانی تقویت می‌شود. هم‌چنین آرمان‌های بشری نظیر تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت، مبارزه با سلطه، نژادپرستی و قطع ریشه‌های تجاوز، از مصادیق "بر" در گفتمان دینی است. این درحالی است که اسلام در شکل‌گیری فضای تفاهم با غیرمسلمانان، حتی موضوعات ارتباطی، عاطفی و روانی را مدنظر داشته است. برای نمونه، در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره‌ی آل‌عمران، اهل کتاب را از جدال و ستیز نهی نموده و پیروان ادیان را به اصول و اهداف مشترک در جهت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌نماید. هم‌چنین مسلمانان را از دشنام‌گویی در گفت‌وگو با مخالفان دینی بازداشته و دستور می‌دهد تا از حکمت، موعظه و جدال احسن برخوردار باشند و از الفاظ زشت و دشنام بپرهیزند: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن» (نحل: ۱۲۵).

همکاری‌هایی که در سایه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شکل می‌گیرند امکان دست‌یابی به هدف‌های متعالی اسلامی و آرمان‌های اصولی‌تر در روابط جهانی و حتی آینده‌ی بشری را میسر می‌سازند؛ زیرا معمولاً برخوردها و همکاری‌های عملی به تضارب فکری و عقلانی می‌انجامند و در خلال همین تلاقی‌های فکری است که اندیشه‌های اصیل اسلامی امکان رشد و گسترش می‌یابند. تلاقی فکرها مرحله‌ای از ساخت تفاهم است و بی‌شک این تلاقی از قدرمشتک‌ها آغاز می‌گردد و به حل مسائل اختلافی می‌انجامد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۵۴).

۵.۲. وجهه‌سازی و تولید اعتبار بین‌المللی برای مسلمانان

تصویرسازی، یک نوع برقراری روایتی^۱ است که زمینه‌های لازم جهت ایجاد ارتباط را شکل می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۳: ۱۰). بر این اسلوب، ارائه‌ی تصویری صحیح از اسلام نقش مهمی در شکل‌دهی روابط بین‌المللی دارد. برخورداری از اعتبار بین‌المللی مثبت، آثار و پیامدهای بسیاری در حوزه‌ی گسترش مناسبات بین‌المللی اسلام دارد و ارائه‌ی چهره‌ای واقعی از دولت اسلامی می‌تواند به طرق گوناگون زمینه‌های گسترش تعاملات و همکاری‌ها با سایر کنش‌گران و افزایش اثرگذاری بین‌المللی را فراهم نماید. در واقع، تصویرسازی ناظر بر ماهیت و سویی‌ی اجتماعی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است که طی آن، بازیگران اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعریف و شناسایی خود دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۳). این در حالی است که مؤلفه‌های هنجاری هم‌چون: صداقت، عدالت، انصاف، وفای به عهد، اعتماد مردم به یک‌دیگر و نیز اعتماد به حکومت از جمله وجوه کسب اعتبار اجتماعی هستند (غفاری‌فر، ۱۳۹۰: ۲۹۹). در همین راستا معرفی اسلام برپایه‌ی تبیین چهره‌ی رحمانی اسلام، احترام به حقوق و آزادی دیگران، نفی خشونت، تأکید بر مشترکات و آموزه‌های مشترک اخلاقی از جمله عوامل تولید اعتبار و وجهه‌ی بین‌المللی هستند که در سایه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تحقق‌پذیر می‌باشند. هم‌چنین فضای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز امکان ارائه، تبیین و شناسایی عملی اسلام ناب را در نزد مخاطبین فراهم نموده و بدین ترتیب از آثار منفی اقداماتی که به‌ظاهر توسط جریان‌های دینی (هم‌چون داعش و القاعده) صورت گرفته، ولی درحقیقت با روح اسلام مغایرت دارد، کاسته می‌شود. به‌ویژه آن‌که اسلام هرگونه جنگ و خشونت که با هدف ضربه زدن به انسانیت، استثمار و بهره‌کشی از دیگر ملل بوده باشد را طرد می‌کند و ایجاد فساد بر زمین را نامشروع و از مصادیق آشکار ظلم و فساد و موجب خسران برمی‌شمرد (بقره: ۲۷).

1. Establish a Narrative.

۵.۳. تألیف قلوب و گسترش حوزه‌ی نفوذ اجتماعی

اسلام دینی جهان‌شمول بوده و به دنبال سعادت تمام بشریت است. از این منظر، جلب و دعوت انسان‌ها به سوی راه حق اصالت و موضوعیت دارد. لذا اسلام از طرق مختلف که مغایرتی با ماهیت تعالیم و آموزه‌های آن نداشته باشد، درصدد جذب انسان‌ها است. برای نمونه؛ ائمه‌ی معصومین (ع) با شیوه‌هایی هم‌چون اهدای اموال در صدد "مؤلفه قلوبهم" و جذب مخالفین و غیرمسلمانان بوده‌اند. مانند روایت معروفی که پیامبر (ص) غنایم جنگ حنین را بالسویه تقسیم نکردند، بلکه به برخی از سران قریش مانند ابوسفیان و عینیه که در فتح مکه ایمان آورده بودند، غنایم بیش‌تری دادند و در ضمن خطبه‌ای در پاسخ به معترضان فرمودند: آیا راضی نیستید که آنان شتر و گوسفند ببرند و شما پیامبر خدا را همراه خود داشته باشید؟! من مختصر مالی به قریش دادم که در اسلام استوار گردند (سجانی، ۱۳۷۰: ۳۷۰). این قاعده براساس نگرش جذب حداکثری اسلام بوده و بر همین اسلوب، اسلام اجازه داده است تا برای جذب مردم و حتی دشمنان، به تألیف قلوب پرداخته شود.

۵.۴. تعاون بین‌المللی و سازمان‌دهی شبکه‌های انسانی

در خلال هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و ارتباط متقابل میان انسان‌ها، شبکه‌هایی قابل تصور است که افراد از طریق آن‌ها با یک‌دیگر کارهایی را انجام می‌دهند که به‌تنهایی قدرت انجام آن‌ها وجود ندارند یا به‌دشواری انجام‌پذیر است. در بررسی روابط مسلمین با غیرمسلمین، شکل‌گیری چنین شبکه‌هایی از روابط که برپایه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان اعضا و احترام به حقوق متقابل باشد، ضمن گسترش زمینه‌ی تبادل اطلاعات و شناخت غیرمسلمانان از مسلمانان، همکاری و تعاون نسبت به یک‌دیگر را تقویت نموده و شرایط هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی را در قالب مشارکت مدنی، همکاری و تعامل در سایر بخش‌ها فراهم می‌آورد.

قرآن کریم در آیه‌ی ۲ سوره‌ی مائده، مسلمانان را به تعاون و همکاری در نیکی‌ها و پرهیز از مشارکت در هرگونه گناه و تجاوز سفارش می‌کند و تعاون با مردم را به منزله‌ی امری عقلایی و لازمه‌ی همکاری در زندگی اجتماعی تلقی می‌نماید. البته همکاری و تعاون به معنی زیرپا گذاشتن شعائر الهی و نادیده‌انگاشتن خشنودی خداوند متعال نیست؛ به‌طوری‌که در آیه‌ی یادشده، خداوند پیش از توصیه‌ی عمومی به تعاون و هم‌کاری با یک‌دیگر، اهل ایمان را نسبت به هرگونه هتک حرمت شعائر دینی باز می‌دارد و سپس در آیات بعد، ضمن تبیین برخی مصادیق آن، نظیر خوردن گوشت نجاست (مثل مردار یا گوشت خوک) بر حرمت این قبیل امور تأکید می‌نماید (مائده: ۳). نکته‌ی جالب آن‌که خداوند متعال شرایط همکاری و برقراری ارتباط با غیرمسلمین را در آیات بعدی هموارتر

ساخته و در آیه‌ی ۵ سوره‌ی مائده، ازدواج با اهل کتاب و تناول غذای آن‌ها (غیر از غذاهایی که در دین اسلام حرام شمرده شده است) را مجاز می‌داند؛ این امر نشان‌دهنده‌ی پذیرش اصل همکاری و اهمیت تعاون بین‌المللی با سایر ادیان در دیدگاه اسلامی است.

۵.۵. اعتمادسازی دینی و شکل‌گیری اتحادهای جدید

یکی از مهم‌ترین اشکال تعاملات در عرصه‌ی بین‌المللی، عقد معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی است؛ تاجایی که قراردادهای بین‌المللی از پایه‌های اصلی تحقق روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز میان کشورها محسوب می‌شود و دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی تلاش می‌کنند با عقد پیمان‌های دو یا چندجانبه، موجبات هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را فراهم نمایند. پیمان‌ها نوعی اعتمادسازی در روابط میان کنش‌گران بین‌المللی را خلق می‌کنند تا با تکیه بر آن‌ها، انواع روابط سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی شکل بگیرد. از این منظر، پیمان‌ها مولد یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی جامعه‌ی جهانی در حوزه‌ی ارتباطات - یعنی اعتمادسازی و کسب اعتبار دولت‌ها و ملت‌ها با یک‌دیگر - هستند. کسب اعتبار به‌مثابه یکی از مقومات مهم در برقراری روابط بازیگران اجتماعی، زمینه‌ی اجرای بسیاری از تصمیمات و تعهدات را فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر می‌توان چنین استدلال نمود که وجود اعتماد نیز عاملی برای تقویت قراردادهای شمرده می‌شود؛ یعنی یک رابطه‌ی دوطرفه میان پیمان‌ها و اعتماد در گفتمان دینی وجود دارد. توضیح این که اگرچه در نظام بین‌الملل معاصر، اصل بر عدم اطمینان به بازیگر طرف مقابل و رسیدن به منافع از هر طریق ممکن است، اما باید توجه داشت که یکی از مؤلفه‌های جدید در چارچوب نظریات هنجارگرایی، معطوف به نوع برداشت و ادراک از طرف مقابل در شکل‌گیری و برقراری روابط میان کنش‌گران با یک‌دیگر است. با این وصف، وجود اعتماد نسبت به بازیگر مقابل و برداشت مثبت از پابندی مسلمانان نسبت به تعهد می‌تواند در شکل‌گیری قراردادهای پایدارتر مؤثر باشد. به بیان دیگر، پابندی به عهد و پیمان - حتی چنانچه از دریچه‌ی الزامات اخلاقی و دینی نگریسته شود - دارای اثرات و اهمیت سیاسی و بین‌المللی در صورت‌بندی پیمان‌ها خواهد بود. قرآن کریم نیز بر پابندی به عهد و پیمان (با مسلمانان و غیرمسلمانان) تأکید کرده و شکستن عهد و پیمان را از گناهان بزرگ شمرده است: «وَأَفْوَا بَعْدَ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل: ۹۱).

تأکیدات جدی اسلام بر پابندی به قراردادهای طبیعتاً می‌تواند منشأ ایجاد اعتماد در طرف مقابل شود. نتیجه آن که اولاً مطابق گفتمان اسلامی، وفای به عهد عامل ذهنی پایدارکننده‌ای در تقویت اعتماد میان انسان‌ها بوده و مقوم مناسبات انسانی محسوب

می‌گردد؛ طبیعتاً پیمان‌ها و قراردادهایی که علاوه بر سازوکارهای موجود در قراردادها، به مؤلفه‌ی اعتمادسازی، التزام و پایبندی داشته باشند، از استحکام و ماندگاری بیش‌تری برخوردار خواهند بود. ثانیاً وفای به عهد در درون فضای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز امکان شکل‌گیری پیمان‌های جدید و قراردادهای بین‌المللی را فراهم خواهد نمود. ثالثاً در یک افق بلندمدت برپایه‌ی قراردادها و توافقات موجود حتی زمینه‌های شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در امور مشترکی مانند: سازمان‌های امداد‌رسان بین‌المللی پدید آمده و امکان شکل‌گیری اجماعات جهانی در عرصه‌ی مشترکات انسانی فراهم می‌گردد (سرخیل، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

۵.۶. افزایش قدرت و اقتدار دولت اسلامی در مواجهه با تهدیدات

افزایش قدرت دفاعی، یک اصل عقلانی است که همواره بخش مهمی از زندگی فردی و جمعی بشر را به خود اختصاص داده است. طراحی و برنامه‌ریزی جهت اقدامات دفاعی، از یک سو توان و کارآیی دفاعی در زمان تجاوز و تهدید را افزایش داده و از سوی دیگر، پیامدهای بحران‌ها را کاهش می‌دهد. این مسأله در دیدگاه اسلامی نیز به صورت جدی مطرح شده است و اسلام برای بهره‌گیری از هر فرصتی جهت تقویت نظام اسلامی تأکید می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید:

«در برابر آن‌ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید و (هم‌چنین) اسب‌های ورزیده (مهیا کنید) تا به وسیله‌ی آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید...» (انفال: ۶۰).

طبیعتاً وجود شرایط عادی و غیرجنگی در ذیل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، فرصت آماده‌سازی و تجهیز قدرت جامعه‌ی اسلامی در عرصه‌های مختلف را ایجاد می‌کند تا با برنامه‌ریزی و هوشیاری بتوان در جهت منافع امت اسلامی کوشید. البته همان‌گونه که از معنای آیه‌ی فوق برمی‌آید این آمادگی همه‌جانبه، حالت تدافعی و بازدارندگی دارد؛ به طوری که آماده‌سازی قوا صرفاً برای ترساندن دشمن است و ذیل استراتژی "نه ستمگر باشید و نه ستم پذیر" قرار می‌گیرد (علیخانی، ۱۳۹۰: ۳۶). از آثار هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر شکل‌گیری منافع امت اسلامی می‌توان به مواردی هم‌چون: «مکان طراحی فعالیت‌های زیربنائی و تأمین نیازهای حیاتی»، «ایجاد قابلیت و ابتکار عمل جهت بازدارندگی و فرصت‌سازی برای مواجهه با تهدیدات و بحران‌ها» و «تقلیل آسیب‌پذیری و کاهش هزینه‌ها و صدمات در برابر خطرات و حملات دشمن» اشاره کرد.

نتیجه گیری

اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از اجزاء بنیادین نظام بین‌الملل معاصر به‌شمار می‌رود که میدان عمل و اثرگذاری بسیار گسترده‌ای در عرصه‌های حقوقی و سیاسی داشته و خود مشتمل بر یک‌سری اصول و قواعدی است که بر همکاری و ارتباط میان ملل و مذاهب مختلف استوار می‌باشند. بررسی مبانی و اصول اسلامی که ناظر بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان است، به تطابق، سازگاری و پذیرش اصل راهبردی و پیش‌برنده‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در دیدگاه اسلامی صحنه می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین مبانی سازنده‌ی اندیشه‌ی الهی، و به تبع آن نظام تعاملاتی اسلام، معطوف به نگرش اسلامی به انسان در جایگاه اشرف مخلوقات است که ضمن آن، انسانیت و مناسبات ابناء بشر بر محور کرامت و عزت انسانی بنا می‌گردد. با چنین رویکردی، اسلام نه‌تنها اصولی هم‌چون: برابری در آفرینش، نفی تبعیض، آزادی عقیده و اختیار همه‌ی انسان‌ها - از جمله غیرمسلمانان - را مورد پذیرش و تأکید قرار داده، بلکه بر اساس نگاهی جهان‌شمول، حقوق خاصی را در قالب‌هایی هم‌چون: عقود ذمه، استیمان و مهادنه برای اقلیت‌های مذهبی مشخص نموده و از هرگونه تعدی و ظلمی پرهیز داده است.

وجود چنین نگاه فراگیری به انسان، بالذاته علاوه بر این که بستری جهت شکل‌گیری هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌سازد، بلکه دستاوردهای اجتماعی-سیاسی نظیر جلوگیری از خشونت و نزاع را به‌همراه دارد. در همین زمینه، کانت معتقد است جنگ ارتباط انکارناپذیری با جداسازی بشریت در قالب واحدهای سیاسی جداگانه و خودخواه دارد. روسو نیز اظهار می‌دارد تک‌تک شهروندان با پیوستن به یک اجتماع خاص، ضرورتاً خودشان را به دشمنان بقیه‌ی بشریت مبدل می‌سازند (لینکیتز، ۱۳۹۱: ۲۱۶). با این وجود، اسلام با هرگونه خشونت و تعدی از روی ظلم مخالفت ذاتی داشته و درصدد ایجاد نظامی مبتنی بر ارزش‌های انسانی است. وجود مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعدد دینی، هم‌چون: تأکیدات اسلام بر پذیرش پیشنهاد صلح، پایبندی به تعهدات با غیرمسلمین و عدم پیمان‌شکنی؛ هم‌چنین مجموعه‌ی بسیار گسترده‌ی دستورات و تعالیم دینی مانند: گذشت، ایثار، کظم غیظ جهت کنترل خشونت، دلایل متقنی بر این مدعا می‌باشند.

حجت‌الاسلام قرائتی در تفسیر آیه‌ی ۸ سوره‌ی ممتحنه این موضوع را یادآور می‌گردد که سیاست خارجی اسلام بر اساس جذب و جلب دیگران است. شیخ شلتوت از علمای شناخته‌شده‌ی جهان اسلام نیز در کتاب خود پیرامون روابط بین‌المللی در اسلام بر همین موضوع تأکید نموده و ضمن تکیه بر وحدت بشری و برابری همه‌ی انسان‌ها معتقد است اسلام به مسلمانان توصیه کرده تا هم بر روابط خودشان با یک‌دیگر و هم بر روابطشان با

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره پانزدهم
- زمستان ۹۵

آثار هم‌زیستی
مسالمت‌آمیز بر
روابط خارجی
دولت اسلامی
(۱۳۹ تا ۱۶۰)

دیگر ملت‌ها، سیاست صلح‌جویانه حاکم باشد؛ مگر در صورتی که دستی به خصومت به سویش دراز شود و کارشکنی‌ها و مشکلات سر راهش را بگیرند و عده‌ای بکوشند تا با خشونت و زور، مردم را از گرایش به آن بپراکنند. تنها در چنین صورتی است که اسلام از پیروان خود می‌طلبد که تجاوز را با تجاوز پاسخ گویند؛ تازه آن هم به این انگیزه که بار دیگر، جوّ مسالمت‌آمیزی پدید آید و عدالت هم‌چنان استوار و پابرجا باقی بماند. از این رو اسلام، هم جنگ تجاوزگرانه را که انگیزه زورگویی و فشار آوردن بر بندگان خدا در آن مطرح است، تحریم کرده؛ و هم تجاوز در جنگ را نفی نموده است: «در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند، جهاد کنید؛ ولی ستمکار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد» (بقره: ۱۹۰).

توجه به هم‌زیستی، دربردارنده‌ی آثار و نتایج به‌سزایی در روابط خارجی دولت اسلامی و پیشبرد منافع اسلامی است که از آن جمله می‌توان به: تقویت تفاهمات و تعاون در سطح بین‌المللی اشاره نمود. طبق این امر، اسلام از مشارکت و همکاری بین‌المللی ملت‌ها در جهت برقراری اصول مشترک انسانی مانند: برابری، عدالت و احترام متقابل استقبال می‌نماید. یکی دیگر از تأثیرات هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر سیاست خارجی دولت اسلامی، تصویرسازی و ایجاد اعتبار و وجهه‌ی بین‌المللی واقعی از اسلام می‌باشد که می‌تواند در خلال همکاری‌ها و مراودات با سایرین، نقش مهمی در شکل‌دهی مناسبات بین‌المللی با غیرمسلمانان ایفاء نماید.

هم‌چنین وجود شرایط عادی و غیرجنگی در ذیل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تأثیرات زیادی بر درون دولت اسلامی دارد. برای نمونه: فرصت اصلاح و پیشرفت امور، آماده‌سازی و تجهیز قدرت جامعه‌ی اسلامی در عرصه‌های مختلف را در اختیار دولت اسلامی نهاده و ضمن افزایش تبادلات، امکان طراحی فعالیت‌های زیربنائی و تأمین نیازهای حیاتی را بیش از پیش میسر می‌سازد.

در یک افق بلندمدت، وجود ارتباطات مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان، آثار عمیقی بر تحقق اهداف کلان اسلامی - یعنی دعوت به دین مبین اسلام - خواهد داشت؛ چراکه برقراری فضای همکاری، امکان شکل‌دادن به فضای اجتماعی جهت معرفی معارف اصیل دینی را فراهم کرده، و در نهایت، زمینه‌ی مناسب برای اجرای طرح آرمانی جامعه‌ی واحد جهانی و تشکیل امت واحده مهیا می‌گردد.

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). صلح و امنیت بین‌الملل؛ رویکرد اسلامی (مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل). به اهتمام: حسین پوراحمدی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲. آقابخشی، علی (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۳. برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴). اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح. مجله حقوقی، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۳۳، صص ۷۳-۱۵۷.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). مبانی فرائضی نظریه‌ی اسلامی روابط بین‌الملل. فصلنامه روابط خارجی، سال ۲، شماره ۶، تابستان، صص ۹۶-۴۹.
۵. _____ (۱۳۹۰). نظریه‌ی اسلامی سیاست خارجی؛ چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ایران. روابط خارجی، سال ۳، شماره ۱، بهار، صص ۴۷-۷.
۶. دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود (۱۳۶۷). اخبار الطوال. ترجمه: محمود مهدوی دامغانی. نشر نی (چاپ سوم).
۷. زارعی، راضیه (۱۳۹۴). ظرفیت‌های اندیشه‌ی سیاسی اسلام در تولید قدرت نرم. سیاست متعالیه، سال ۳، شماره ۹، تابستان، صص ۶۴-۴۱.
۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. بی‌جا: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۹. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۴). روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). فروغ ابدیت (ج ۲). قم: دفتر تبلیغات اسلامی (چاپ ۶).
۱۱. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام. مجله علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۱۹، پاییز.
۱۲. سید قطب (۱۳۶۸). اسلام و صلح جهانی. ترجمه: زین‌العابدین قربانی و هادی خسروشاهی. بی‌جا: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۰). مبانی و اصول روابط بین‌الملل در اسلام. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. دوره نخست، شماره یکم، پاییز، صص ۳۸-۱۱.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر حقوق اسلامی تطبیقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۲، صص ۱۰۷-۸۱.
۱۵. _____ (۱۳۷۷). فقه سیاسی (جلد ۳). حقوق بین‌الملل اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). تبیین آثار اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی سازمان‌یافته. پایان‌نامه دکتری دانشکده علوم اجتماعی.
۱۷. کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۸۶). هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۸. کلینی، ابی جعفر محمد ابن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی. ترجمه و شرح: جواد مصطفوی. بی‌جا: انتشارات ولی‌عصر.

۱۹. لینکلتر، اندرو؛ برچیل، اسکات؛ دانلی، جک؛ دیویتاک، ریچارد (۱۳۹۱). نظریه‌های روابط بین‌الملل. مترجم: حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی آرانی. بی‌جا: نشر میزان.
۲۰. مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۶). سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح. ترجمه: حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل.
۲۱. موسوی، میرهادی (۱۳۹۳). اجلاس (WAVE) و تأثیر آن بر برند جمهوری اسلامی ایران. کتاب همایش جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل.
۲۲. موسوی‌الخمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام (ج ۱۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
23. Schmidt, B.C. (2002), "On the History and Historiography of International Relations", in W. Carlsnaes, T. Risse and B.A. Simmons (eds), Handbook of International Relations. London: Sage.